

# «قانون تفسیر»، الاتقان امروز

سید مجتبیٰ مجاهدیان

## مقدمه

اگرچه قرن هشتم و نهم هجری را باید دوران ظهور جامع ترین منابع قرآن پژوهی اهل سنت، یعنی البرهان بدرالدین زرکشی و الاتقان جلال الدین سیوطی دانست، اما همچنان جهان تشیع تا قرن حاضر چشم به راه تدوین آثاری جامع در این زمینه بود. اوج وضعیت اسفبار مسلمانان زیر سلطه استبداد داخلی و استعمار خارجی در قرون سیزده و چهارده هجری، متفکران نواندیش و مصلحان خیراندیش حوزه های دینی را به فکر بازگشت به آموزه های اصیل و رهایی بخش اسلام واداشت. سلسله جنبان این خیزش بیداری سیدجمال الدین اسدآبادی بود که رمز پیروزی ملل ستمدیده را در تمسک بی قید و شرط آنها به آرمان های قرآن می دانست. وجه همت او و شاگردانش، از همه مذاهب اسلامی، روشن سازی افکار عمومی و تطهیر نفوس مستعد برادران شیعه و سنی بر مدار بنیان مرصوص قرآن بود. شور برگرفته از شعور محمد اقبال لاهوری نیز در تکامل و ثمردهی این جریان نوپا بی تأثیر نبود؛ چرا که «بازسازی و احیای اندیشه دینی» اقبال، تداوم و تکامل طرح «بازگشت به قرآن» سید جمال بود:

گر تو می خواهی مسلمان زیستن  
نیست ممکن جز به قرآن زیستن  
از یک آیینی مسلمان زنده است  
پیکر امت ز قرآن زنده است  
چون گهر در رشته او سفته شو

۱. محمد اقبال لاهوری؛ میکده لاهور: کلیات فارسی؛ رموز بی خودی، تصحیح محمد بقایی ماکان؛ تهران: اقبال، ۱۳۸۲.

## قانون تفسیر

حاج سیدعلی کمالی دزفولی

تهران

قانون تفسیر؛ حاج سیدعلی کمالی دزفولی؛ تهران:  
کتابخانه صدر.

ورنه مانند غبار آشفته شو<sup>۱</sup>

اقبال قرآن را «آب حیات»<sup>۲</sup> و «قوت اعتبار ملت»<sup>۳</sup> می دانست و همواره مسلمانان با نام و البته بی نشان آن روز را گوشزد می کرد:

نقش قرآن چون که بر عالم نشست  
نقش های پاپ و کاهن را شکست  
فاش گویم آنچه در دل مضمراست  
این کتابی نیست، چیز دیگر است  
چون که در جان رفت، جان دیگر شود  
جان چو دیگر شد، جهان دیگر شود<sup>۴</sup>

### نهضت نوین قرآن پژوهی شیعه

هر چند در گوشه و کنار بلاد اسلامی، نغمه هایی همنا با بانگ بیداری سید به گوش می رسید، اما هنوز از قلب جهان اسلام و به ویژه حوزه های رسمی شیعی، ندایی جدی برمی خاست. هنوز، زمان «فراگستری معارف قرآن» و «استقلال علوم قرآنی» در حوزه های شیعی فرانسیده بود؛ خاصه آنکه در زمینه بازکاوی مبادی و مبانی علم تفسیر، یعنی «علوم القرآن»،<sup>۵</sup> کارهای به زمین مانده کم نبود. هنوز چندان که باید، شأن و جایگاه و ضرورت استقلال این علم از تفسیر - حداقل در جهان تشیع - فهمیده نمی شد. هنوز تک نگاری های تازه به ثمر رسیده شیعی در این زمینه، مانند اثر ابو عبدالله زنجانی (متولد ۱۳۰۰ ق / متوفای ۱۳۶۰ ق) با عنوان نه چندان دقیق<sup>۶</sup> «تاریخ القرآن»، نه تنها جامعیت لازم را نداشتند که چنان توفیق و نمودی در جغرافیای تشیع نیز نیافتند. هنوز عمده مباحث بنیادین علوم قرآنی به صورت کلیاتی مجمل و در بهترین وجه آن به شکل مختار<sup>۷</sup> و یا در مقدمه تفاسیر<sup>۸</sup> و یا در ذیل تفسیر برخی آیات<sup>۹</sup> و یا در حواشی بعضی قرآن ها<sup>۱۰</sup> و یا حتی در ضمن مباحث علم اصول فقه<sup>۱۱</sup> عرضه می شد. پس از چندی، از قضا، چراغ «نهضت نوین قرآن پژوهی شیعه» همزمان در ایران و عراق روشن شد. حوزه کهنسال نجف و حوزه نوپای قم، کانون این خیزش قرآنی شد. مفسر کبیر، علامه سید محمد حسین طباطبایی و شاگردان<sup>۱۲</sup> برجسته ایشان در حوزه فقه محور قم، علم احیای «معارف قرآن و تفسیر» را برافراشتند و سترگ ترین مأموریت های این نهضت را به عهده گرفتند. تفسیر عظیم المیزان رهاورد این نگاه ویژه و نو به قرآن بود. از دیگر سو، در همین اثنا، فقیه بزرگ حوزه نجف، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی (۱۳۱۷ ق - ۱۳۷۱ ش)، مقدمات

و مقومات امر تفسیر را در کتابی فاخر به نام البیان فی تفسیر القرآن، در یک جلد عرضه کرد. گرچه نظریات قویم و پخته خوبی، نوید تحولی شگرف در حوزه قرآن پژوهی می داد، اما این اثر به مانند آلاء الرحمن علامه محمد جواد بلاغی (۱۲۸۲ ق - ۱۳۵۲ ق)، البته این بار نه به دلیل مرگ مفسر که به علت فشار حوزه فقه مدار و اصولگرای عراق، روی تکامل به خود ندید و

۲.

برخور از قرآن اگر خواهی ثبات  
در ضمیرش دیده ام آب حیات  
می دهد ما را پیام لاتخف  
می رساند بر مقام لاتخف  
(مثنوی مسافر)

۳.

برگ و ساز ما کتاب و حکمت است  
این دو قوت اعتبار ملت است  
(مثنوی مسافر)

۴. محمد اقبال لاهوری؛ همان.

۵. به معنای مصطلح آن، یعنی «علوم حول للقرآن» نه به معنی «علوم للقرآن» یا «علوم فی القرآن» که شیخ طوسی قریب به هزار سال پیش با نظر به معنای اخیر - در این زمانه غیر مصطلح آن - تفسیر خود را «التبیین الجامع لعلوم القرآن» نامید.

۶. همچنین «تاریخ قرآن» استاد محمود رامیار (متوفای ۱۳۶۳).

۷. مانند آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن (۲ ج، عربی) از علامه محمد جواد بلاغی (متوفای ۱۳۱۲ ش) که مقداری از مباحث اصلی این علم را بسیار محققانه مورد بررسی و مذاقه قرار داد.

۸. مانند: مقدمه تفسیر «التبیین» شیخ طوسی، مقدمه تفسیر «مجمع البیان» شیخ طبرسی، مقدمه تفسیر «صافی» ملا محسن فیض کاشانی، مقدمه تفسیر «آلاء الرحمن» علامه بلاغی و مقدمه علامه شعرانی بر تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح الله کاشانی.

۹. مانند علامه طباطبایی که ذیل آیات ۷-۹ سوره آل عمران در جلد ۳ المیزان، به طور مفصل - در صد صفحه - به مباحث تأویل، محکم و متشابه پرداخت؛ اگرچه علامه پس از المیزان به ضرورت پرداخت مستقل به این علوم پی برد و کتاب قرآن در اسلام را به نگارش درآورد.

۱۰. به ویژه در چاپ های سنگی و اخیراً در مؤخره ترجمه رحلی بهاء الدین خرمشاهی از قرآن.

۱۱. مانند اصول فقه شیخ محمد رضا مظفر.

۱۲. به ویژه صاحب تفسیر قویم «تسنیم»، حکیم متاله جواد آملی حفظه الله.

بخش هایی از آن در زندان نگارش یافت و قانون تفسیر و دیگر مجلدات این مجموعه فارسی<sup>۱۵</sup> نیز ثمره سال ها تحقیق دقیق علامه کمالی به موازات کار صاحب البیان در نجف و التمهید در قم بود که بی شک رهاورد این اثر سترگ را باید ارائه پاسخ هایی متقن، روشن و روان به انتظارات، نیازها و پرسش های عرصه پژوهش های بنیادین قرآنی ایران دانست. گرچه نمی توان تفسیر ناتمام پرتوی از قرآن را اولین گام در بسط معارف قرآنی ایران دانست، اما بی گمان کتاب پخته قانون تفسیر در قامت مانیفست قرآن پژوهی نوین ایران، بسترساز آثار جامع تری در زمینه علوم القرآن شد. جامعیت «التمهید» محصول حوزه جامع نگر قم و واقعیت ملموس قانون تفسیر ماحصل محیط واقعیت گرای تهران است. همزمانی فعالیت های مجدانه و بنیادین قرآن پژوهی آیت الله معرفت در عراق و قم و آیت الله کمالی در تهران و دزفول، قابل تأمل و شایان بررسی و تحقیق جامع تری است.

در زمانه عسر و تنگ دستی تحقیقاتی از این دست، کتاب وزین و در عین حال، زلال و بی رنگ و لعاب قانون تفسیر چون رودخانه ای آرام در بستر خود و دور از کرب و فرهای معمول - که نشان از عمق و هیمنه اوست - مأموریت سترگ خود را به انجام رساند و آب حیات به ریشه نبات خشکیده پژوهش های قرآنی ایران خوراند. بی گمان «دکترین قرآن پژوهی»<sup>۱۶</sup> علامه کمالی در قامت قانون تفسیر و به عنوان مانیفست قرآن پژوهی نوین ایران، همان نقشی را در فضای تازه قرآنی کشور ایفا کرد که در طول تاریخ علوم القرآن، الاتقان در میان عموم حوزه های

مفسر از بیم «تضحیه»<sup>۱۳</sup> برای همیشه قلم را بر زمین نهاد و خاطر خود آسوده داشت! پس باز همچنان بسیاری مباحث این علم از دیدگاه شیعه مورد بررسی جدی قرار نگرفت.

در اینجا بود که شاگرد فرزانه آیت الله خوئی و مکتبدار این دو حوزه بزرگ، آیت الله محمدهادی معرفت (۱۳۰۹ - متوفی ۱۳۸۵ ش) مقدمات ورود به آستان تفسیر را از دیدگاه شیعه به نحوی شایسته و بایسته مورد مذاقه و بررسی قرار داد. کتاب جامع التمهید فی علوم القرآن در شش جلد محصول این نگاه مسئولیت پذیرانه بود که موجبات فخر<sup>۱۴</sup> جریان نوین قرآن پژوهی شیعه را فراهم آورد.

### قانون تفسیر؛ الاتقان امروز

اما این، همه داستان نبود. در جریان اخیر قرآن پژوهی شیعی و این نهضت عظیم نوین قرآنی، باید نقش عالمان اثرگذار خارج از دو حوزه بزرگ پیش گفته را به دقت و فراست بررسی کرد؛ به ویژه نقش بدیع و جایگاه منبع قرآن پژوهان بنام مقیم تهران، یعنی آیت الله سیدمحمدحمود طالقانی (۱۲۸۹ - ۱۳۵۸ ش) و آیت الله سیدعلی کمالی دزفولی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۳ ش) را.

تهران، مرکز و نماد وضعیت ناهنجار سیاسی - اجتماعی آن روز ایران بود و بدیهی است که نگاه قرآن پژوهان آن دیار نیز متأثر از فضای روزگار، نگاهی عینی و واقعیت گرایانه به قرآن بوده باشد. قرآن پژوهان مقیم تهران، در سیر پژوهش های خود در پی استنباط فلسفه ای اجتماعی و کاربردی از آیات حیات بخش قرآن بودند و از این رو غریب نیست که در کارنامه بزرگان این حوزه، دوره ای فعالیت سیاسی به چشم آید؛ چرا که ایشان روزگاری بنا به ضرورت، در قامت مصلحان دینی و اجتماعی قد برافراشته بودند.

همزمان با دو حوزه بزرگ نجف و قم، حوزه تهران به عنوان قلب تنها کشور شیعی جهان اسلام، شاهد خیزشی در دو حوزه «علوم» و «معارف» قرآنی و اما به زبان فارسی گشت. پرتوی از قرآن در شش جلد و به زبان فارسی، حاصل سال ها تدریس آیت الله طالقانی در جلسات منظم تفسیری تهران بود که

۱۳. استاد شهید مطهری در سال ۱۳۴۱ در یکی از سخنرانی هایش داستانی تأسف برانگیز تعریف می کند: «یکی از فضلاء خودمان در حدود یک ماه پیش مشرف شده بود به عتبات. می گفت خدمت آیت الله خوئی سلمه الله تعالی رسیدم. به ایشان گفتم: چرا درس تفسیری که سابقاً داشتید، ترک کردید؟ ... ایشان گفتند موانع و مشکلاتی هست در درس تفسیر. گفت من به ایشان گفتم: علامه طباطبایی در قم که به این کار ادامه دادند و بیشتر وقت خودشان را صرف این کار کردند، چطور شد؟ ایشان گفتند: آقای طباطبایی تضحیه کرده اند؛ یعنی آقای طباطبایی خودشان را قربانی کردند، از نظر شخصیت اجتماعی ساقط شدند، و راست گفتند» (مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۴، ص ۵۳۴).

۱۴. ر.ک به: سیدمجتبی مجاهدیان؛ «فخر آسمان قرآن پژوهی: اندوهاد قرآن پژوه بزرگ معاصر آیت الله معرفت»؛ روزنامه ایران، ۴ بهمن ۱۳۵۸.

۱۵. شامل «تاریخ تفسیر» و «قرآن ثقل اکبر».

۱۶. فرید دهدزی؛ «پیرمرد چشم ماست»؛ گلستان قرآن، ش ۱۹۵، ص ۱۲.

اسلامی و التمهید در خصوص حوزه‌های شیعی، برعهده داشت. از این نظر که دیدگاه است که بزرگانی از قانون تفسیر به «الاتقان امروزی»<sup>۱۷</sup> تعبیر کرده و می‌کنند. علامه طباطبایی نیز پس از فراغت از المیزان، ضرورت پرداختن به مقوله خاص علوم القرآن را حس نمود و کتاب مختصر قرآن در اسلام را نگاشت، اما هرگز این اثر، وزانت تفسیر المیزان را نیافت و در خور نام نامی علامه نبود.

### ستریگی قانون تفسیر

باید دانست که در طول تاریخ مطالعات اسلامی، قریب به اتفاق پژوهش‌های عالمانه ما در مباحث فقهی، اصولی، کلامی، حدیثی، تاریخی و به ویژه قرآنی، محتواشناسانه و درون‌گرایانه بود و به تعبیر دیگر، به فلسفه علوم چندان پرداخته نمی‌شد. در از نای تاریخ پژوهش‌های اسلامی، دریغ از اینکه کمتر اثری پدید آید که به جریان‌شناسی و روش‌شناسی (متدولوژی) و یا ارزیابی روند و فرایند تحولات، مبانی و مبادی آن علوم پرداخته باشد و از این رو «به جرئت می‌توان گفت مطالعاتی از این قبیل در حوزه فکری عالمان ما، بیش از پنجاه یا شصت سال عمر ندارد»<sup>۱۸</sup>.

قانون تفسیر در زمره اولین و بلکه به گواهی برخی شواهد، نخستین پاسخ شایسته‌ای است که در رفع خلأ روش‌شناسی (متدولوژی) عرصه تحقیقات بنیادین قرآن پژوهی شیعه، آنهم به زبان فارسی، عرضه شد؛ «این نوع مطالعاتی که امروزه باب شده است و اینکه چند و چون تفسیر، یا حد و حدود دانش‌های قرآنی ارزیابی می‌شود، ... چیزی جلوتر از کتاب قانون تفسیر نیست»<sup>۱۹</sup>.

چنان‌که پیشتر بدان اشارت رفت، بدیهی است که حرکت‌هایی چنین مستقل و غیرهماهنگ با محور فعالیت حوزه‌های رسمی دینی، مورد بی‌مهری و نادیده‌انگاری جریان غالب، واقع شوند؛ علاوه بر آن، قانون تفسیر، اگرچه در سه دهه اخیر به دلایلی چند از جمله عدم اهتمام نهادها و مؤسسات علمی-فرهنگی در شناسایی اثر و مؤلف فرزانه و فروتن آن، به محقق فراموشی سپرده شد و روی تجدید طبع به خود ندید و بالطبع از چشم عموم اهالی قرآنی امروز، به ویژه نسل فرهیخته پس از انقلاب، به دور ماند، اما از بدو زایش، در نزد خواص از جایگاهی بس بلند و رفیع برخوردار بوده و هست.<sup>۲۰</sup> نگاه نوی مؤلف در این اثر مانا بر مباحث بنیادین و البته بکر علوم القرآن و

مهاترات ایشان در طرح بجا و ظریف مسائل، به خلق اثری متفاوت، متقن و بانظم و نسقی نوین انجامید و طرحی نو پی افکند. استاد، چنان فلسفه علوم قرآن و مبانی معرفت‌شناسی تفسیر را با نگاهی نو، شیوه‌ای شیوا و بیانی رسا نگاشت که تحسین و بلکه اعجاب منتقدان و نکته‌سنجان را برانگیخت؛ چنان‌که تنی چند از قرآن پژوهان معاصر<sup>۲۱</sup> با چنین زبانی به تبیین جایگاه ویژه آن می‌گشایند: «همان‌طور که الاتقان سیوطی با همه بهره‌وری اش از زرکشی و برهان او و بهره‌مندی از بسیاری آثار دیگران، یک دره بیضایی است و یک اثر یکتا، قانون تفسیر هم کتابی است که من برای آن همتا نمی‌شناسم ... من اثری که در شناخت مبانی قرآن پژوهی و شناخت مبانی تفسیر باشد، نمی‌شناسم، مثل قانون تفسیر که این قدر عصاره علمی در آن باشد و کتابی [مثل آن] که کثیرالجدوی باشد ندیده‌ام ... این کتاب کثیرالجدوی و پرفایده است و تا دامنه آخر الزمان، برای

۱۷. بهاءالدین خرمشاهی؛ «مراسم تجلیل از استادان عبدالمحمد آیتی و سیدعلی کمالی دزفولی در سرای اهل قلم شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران»؛ گلستان قرآن، ش ۱۴۹، ص ۲۲.

۱۸. محمدعلی مهدوی راد؛ «نکوداشت قرآن پژوه پیشکسوت استاد کمال دزفولی، در سایه سار وحی»؛ نشست ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۴.

۱۹. محمدعلی مهدوی راد؛ «مراسم تجلیل از استادان عبدالمحمد آیتی و سیدعلی کمالی دزفولی»؛ سرای اهل قلم، شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، روزنامه اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۱۰.

۲۰. «وی از جمله روحانیون دانشمندی بود که مورد احترام و اعتماد اهل علم بود؛ اگرچه در میان عامه مردم شهرت لازم را نداشت، ولی از مراتب بالای علمی برخوردار بود» (۸۴/۱/۱۷)، سخنان رئیس وقت مجلس شورای اسلامی دکتر غلامعلی حداد عادل در صحن علنی مجلس/ پایگاه الکترونیکی خانه ملت).

۲۱. از جمله استاد محمدعلی مهدوی راد نیز در این باره عقیده دارند: «کتاب قانون تفسیر همان‌طور که آقای خرمشاهی گفتند، درخشان است و کم نظیر ... قانون تفسیر کم کاری نیست. کار بسیار بزرگی است و در نوع خود اولین است و همچنین تاریخ تفسیر نیز چنین مقامی دارد» (ر.ک به: روزنامه اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۱۰).

دیگر بار در ادامه تألیف این کتاب، زمانی که به عبارت «القرآن یفسر بعضه بعضاً» رسیدم، هرچه تفحص کردم منبع آن را نیافتم. نمی توانستم بدون اطمینان از منبع آن بنویسم. به همین قصد، عزم قم و محضر علامه طباطبایی را نمودم. در منزلش به خدمت رسیدم و منبع عبارت فوق را پرسیدم. پس از قدری تأمل، چون به نتیجه نرسید فرمود: «نمی دانم». لذا برگشتم و دوباره به بررسی ادامه دادم تا اینکه توانستم آن را در دو جا پیدا کنم؛ یکی در عیون اخبار الرضاء (ع) و دیگری در مقدمه تفسیر صافی فیض کاشانی».<sup>۲۵</sup>

#### نگاهی محتواشناسانه بر قانون تفسیر

قانون تفسیر که نخستین بار در سال ۱۳۵۴ شمسی و بار دوم در سال ۱۳۵۹، در ۴۹۶ صفحه و زیری از سوی انتشارات کتابخانه صدر، چاپ و منتشر شد،<sup>۲۶</sup> اولین و جدی ترین اثر قرآن پژوهی استاد پیشکسوت کمالی است که در واقع جلد اول از دوره سه جلدی کتب علوم القرآن<sup>۲۷</sup> آن فرزانه را شامل می شود. این کتاب کثیرالجدوی دارای: یک پیشگفتار، دوازده بخش، دو ملحق و پنج مستدرک است. حسن مطلع این اثر، پیشگفتار نغز و پرمغز آن است که بیانگر روح اجتماعی و دغدغه های اصلاحگرایانه نویسنده می باشد. برخی از مهم ترین عناوین این کتاب، عبارتند از: تعاریف علم، قرآن، علوم القرآن، تفسیر، تأویل، قابل

فارسی زبانان و عاملان قرآن، دارای نکات علمی است».<sup>۲۲</sup> استاد بهاءالدین خرمشاهی با نظر به نظم و نسق نوین و مباحث پویا، زنده، ملموس و واقع نگر و واقعیت نگار قانون تفسیر تصریح می کند: نگرش و نگارش استاد در این کتاب و اثر شگفت آور با ۹۹ درصد تألیفات دیگر از این دست فرق می کند.<sup>۲۳</sup> اما افسوس، هنوز چنان که باید نه قدر و قیمت مؤلف فروتن آن که بی هیچ افاده و به دور از هر غوغایی موج می زد، شناخته شد و نه تأثیر این اثر ارجمند بر پژوهش های قرآنی دوران معاصر، آن گونه که سزد، مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به نگاه نو و متفاوت علامه کمالی به پژوهش های قرآنی و از آنجا که این کتاب نیز در نوع خود از اولین نمونه ها بود، استاد در فراهم آوردن آن، سعی فراوان نمود و رنج بسیار کشید. گاهی به یکی از بسیار آن ماجراها اشاره کرده، می فرمود: «وقتی اشتغال به تحقیق و نگارش قانون تفسیر داشتم، به این نتیجه رسیدم که بر زبان قرآن و حدیث «مجاز» نیز جاری می شود؛ مثلاً در حدیث مشهور «هكذا نزل» منقول از پیغمبر (ص) در تأیید اختلاف خوانی قراء که به عقیده من به «مجاز» بوده است، یعنی هکذا نزل در حق هر کس که در عسر و حرج است؛ چون تازه قرآن نازل شده بود و لهجه های مختلف طوایف و اقوام عرب باعث زحمت می شد و در صورت سختگیری پیغمبر، امیدی به گسترش اسلام نبود و علاوه بر آن امام صادق (ع) به نص صریح می فرمایند: «ان القرآن واحد نزل من عند الواحد ولكن الاختلاف یجیء من قبل الرواة»؛ اما به دلایلی احتیاط از درج آن داشتم. تصمیم گرفتم برای اطمینان، خدمت آیت الله العظمی میرسیدعلی بهبهانی<sup>۲۴</sup> مشرف شوم؛ لذا به اصفهان مرکز اقامت تابستانی ایشان عزیمت کردم. چون طرح نظر و پرسش نمودم، آن بزرگوار ضمن تأیید نظر بنده فرمود: «بله در قرآن و حدیث مجاز به کار رفته است و مرحوم سیدمرتضی علم الهدی هم کتابی به نام مجازات النبویه دارد. استعمال مجاز جزء الزامات زبان است؛ زیرا گسترش مفاهیم خیلی بیشتر از الفاظ می باشد و از این جهت در الفاظ، مشترك مجاز، استعاره، تشبیه و... به کار می رود تا جبران کمبود شود.

۲۲. بهاءالدین خرمشاهی؛ «مراسم نکوداشت استاد سیدعلی کمالی دزفولی گلستان قرآن، ش ۲۰۳، ص ۱۴. ایشان همچنین در مراسم تجلیل از استادان عبدالمحمد آیتی و سیدعلی کمالی دزفولی در سرای اهل قلم شانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به صراحت می گوید: «چند سال پیش از انقلاب در کتابفروشی، با کتابی به نام قانون تفسیر آشنا شدم که بی نظیر بود. کتاب های پیش از این جزو کارهای خوب بودند، اما در حد قانون تفسیر نبودند؛ ولی با کمال تعجب می بینم که این کتاب تجدید چاپ نشده است» (روزنامه اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۱۰ / گلستان قرآن، شماره ۱۴۹، ص ۲۲).
۲۳. بهاءالدین خرمشاهی؛ از سیزه تا ستاره، قرآن شناس بزرگ زمانه؛ چاپ اول، تهران: قطره، ۱۳۸۶، ص ۸۵.
۲۴. متولد ۱۳۰۳/۱۳۰۴ ق و متوفای ۱۳۵۹ ق، از مراجع جنوب و غرب ایران و استاد بزرگ ادبیات و صاحب الاشتقاق و اساس النحو و مصباح الهدایه فی اثبات الولاية. ایشان که مقیم اهواز بود، اما تابستان ها رحل اقامت به اصفهان می افکند.
۲۵. سیدمجتبی مجاهدیان؛ دفتر مصاحبات.
۲۶. طبع جدید آن به سفارش استاد خرمشاهی و توسط این کمترین در حال انجام است.
۲۷. مجموعه سه جلدی کتب علوم قرآنی علامه کمالی عبارتند از: ۱. قانون تفسیر؛ ۲. تاریخ تفسیر؛ ۳. قرآن نقل اکبر.

فهم بودن قرآن، جمع و فراهم ساختن قرآن، کتابت و ضبط و جمع قرآن، قرائات، ظهر و بطن نسخ، بداء، شرایط تفسیر.

استاد در سراسر کتاب، با زبانی ساده و مجمل، مباحث بالا را با دلایل عقلی و نقلی همراه کرده، نتایج شایان تأملی تحریر نموده است؛ به ویژه در بخش های قرائات،<sup>۲۸</sup> تأویل،<sup>۲۹</sup> نسخ، بداء، جمع و فراهم ساختن قرآن و محکم و متشابه.

از اولین مباحث این اثر قویم، تعریف جامع و دقیق «علوم القرآن» است که با این تعابیر ارائه می شود: «مقصود از علوم القرآن - به لفظ جمع - گروهی از معارف متصله به قرآن است که به نحوی از انحا، به طور خاص، خادم فهم قرآن باشند؛ مانند: علم الرسم، علم القرائات، علم اسباب النزول، علم الناسخ و المنسوخ، علم اعراب القرآن، علم غریب القرآن، علم المحکم و المتشابه و غیره. قید «به طور خاص» برای آن است که بعضی از علوم را - هر چند به طور مقدمی در فهم قرآن دخیل باشند، مانند صرف و نحو - خارج کند». <sup>۳۰</sup>

در ادامه، محقق در باب «قرائات» که مفصل ترین بخش کتاب است، به اقتضای شبهات، دیدگاه های خاصی ارائه کرده است. ایشان اثبات می کند: جواز اختلاف قرائت در صدر اسلام برای رفع عسر و حرج بوده و با رفع آن - در زمان حاضر - دیگر وجهی بر قرائت به اختلاف وجود ندارد، بلکه در این زمان دیگر مذموم و مردود است و باید تنها به قرائت حفص از روایت عاصم که هم مورد تأیید معصومین است و هم مورد قبول بزرگان جماعت، اعتنا کرد و از دامن زدن به تشتت پرهیز نمود.

از دیگر ظرایف و لطایف آمیخته با عصاره های علمی (تجربی، تاریخی، عقلی و نقلی) این اثر، می توان به بخش «محکم و متشابه» آن اشاره کرد که استاد به هنگام برشمردن ادله قول مختار خود، یعنی معطوفه بودن «واو» و عطف «راسخان» در آیه ۷ آل عمران: «وما یعلم تأویله الا الله والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا»، با اقامه دلایلی ساده، اما واقع گرایانه می نویسد: «اگر [واو] مستأنفه باشد، قید رسوخ در علم، بیجاست؛ زیرا بسیاری از مؤمنین بی علم سلیم الاعتقاد نیز می گویند: «آما به کل من عند ربنا»، زیرا می دانند که چنین اعتقادی از ضروریات دین است و اختصاصی به راسخین ندارد؛<sup>۳۱</sup> به عبارت ساده تر، استاد می گوید: منطق حکم می کند که «از راسخان در علم باید انتظار دانستن تأویل را داشت، نه ندانستن آن را»؛<sup>۳۲</sup> چرا که «راسخون» در مقام مدح آمده است؛ و آیا می شود راسخان را مدح کرد که تأویل قرآن نمی دانند؟!

## سیری در احوال و آثار علامه کمالی

### الف) زندگی و زمانه

عالم متضلع، آیت الله سیدعلی کمالی دزفولی (ره) (۶ آذر ۱۲۹۰ - متوفای ۳۰ اسفند ۱۳۸۳ ش) از «منادیان بازگشت به قرآن در عصر حاضر»<sup>۳۳</sup> و از «پیشگامان و پیشتازان عمومی سازی فرهنگ قرآنی»<sup>۳۴</sup> و به راستی «پدر جریان قرآن پژوهی معاصر»<sup>۳۵</sup> بود. عمده فعالیت های علمی علامه کمالی، به ویژه از نیمه دوم دهه چهل شمسی، مصروف

۲۸. مفصل ترین بخش این کتاب است و استاد خود بسیار به آن اعتقاد و افتخار داشت؛ چنان که بارها می فرمود: بنده ادعا می کنم تا آنجا که سراغ دارم، هیچ کدام از آثار مربوطه بهتر از قانون تفسیر در بحث قرائات وارد نشده و مانند آن، شبهات این بخش را که اتفاقاً مهم ترین و گسترده ترین شبهات به ویژه از جانب مستشرقان بر آن وارد می شود را پاسخ نگفته است.

۲۹. «در زمانه ما تا آنجا که اطلاع داریم، چند تن [در باب تأویل] حرف و نظریه داشتند که از آن جمله اند: مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله معرفت و دیگر، مرحوم سیدعلی کمالی دزفولی که از علمای ممتاز عصر ما بود و همچنین سیدمحمدباقر صدر شهید» (گفتگو با استاد منوچهر صدوقی سها با عنوان «تأویل و مسائل آن»، ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۴ (پیاپی ۱۶)، تیر ۱۳۸۷، ص ۸).

۳۰. سیدعلی کمالی دزفولی؛ قانون تفسیر؛ تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۵۴، ص ۲۶.

۳۱. همان، ص ۱۵۷.

۳۲. بهاءالدین خرمشاهی؛ قرآن پژوهی؛ هفتاد بحث و تحقیق قرآنی؛ تهران: مشرق، ۱۳۷۲، ص ۷۴۲.

۳۳. سیدمحمدعلی ایازی؛ «شناخت اجمالی تفسیر قرآن برای همه»؛ ویژه نامه گلستان قرآن، ش ۲۰۳، ص ۳۱.

۳۴. همان. نیز محمدعلی مهدوی راد؛ «مراسم تجلیل از استادان عبدالمحمد آیتی و سیدعلی کمالی دزفولی»؛ سرای اهل قلم شانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، روزنامه اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۱۰. ایشان تأکید می کنند: «و این تعبیر را من درباره ایشان، به دقت به کار می برم؛ یعنی نوع این گونه مطالعاتی که الان مرسوم شده؛ هم مقاله، هم کتاب، کاری به این سبک سیاق، جلوتر از ایشان در قالب تفسیر و علوم قرآن نمی بینم» (نیز نک به: گلستان قرآن، ش ۱۴۹، ص ۲۳).

۳۵. فرید دزدی؛ «پیرمرد چشم ماست» گلستان قرآن، ش ۱۹۵، ص ۱۲.

دشتی / منتشر شده در آمریکا؛ ۱۳. احیاء، تحقیق و تصحیح «ذکر المجرب فی صحف مطهره».

**ب) معارف اسلامی:** ۱۴. خاتم النبیین؛ ۱۵. عترت ثقل اکبر؛ ۱۶. همزیستی و معاشرت در اسلام؛ ۱۷. عرفان و سلوک اسلامی؛ ۱۸. تاریخ مختصر صدر اسلام؛ ۱۹. ارمغان ربیع؛ ۲۰. هزار سخن در شناخت اسلام.

**ج) موضوعات مختلف:** ۲۱. مثنوی عزیز و نگار؛ ۲۲. دعبل خزاعی شاعر انقلابی؛ ۲۳. هر که می خواهد بخواند (ردّ تفکرات احمد کسروی / منتشر شده در دهه بیست شمسی در خوزستان)؛ ۲۴. جنایات دو ساله مظفر بقایی در دزفول (وقایع حزب زحمتکشان / منتشر شده در دهه سی شمسی در خوزستان)؛ ۲۵. گلستان امثالی دزفولی؛ ۲۶. هزار سخن از حجازی؛ ۲۷. مقدمه مفصل بر ترجمان عن المرزبان.

**د) آثار منخطوط:** ۲۸. تفسیر قرآن برای همه (۴۴ دفتر / در دست چاپ)؛ ۲۹. محسنات بدیعیه در قرآن؛ ۳۰. معارف اسلامی؛ ۳۱. جزوه علوم القرآن؛ ۳۲. الثقافة الاسلامی؛ ۳۳. ترجمه احادیث غیر مکرر از طرق امامیه (به جز احادیث تفسیری و فقهی)؛ ۳۴. ترجمه احادیث غیر مکرر از طرق عامه (به جز احادیث تفسیری و فقهی)؛ ۳۵. مقاصد قرآن یا جمهوریت محمد؛ ۳۶. خردافزا (۱۲ جلد)؛ ۳۷. سیمای دزفول (۱۰ جلد / تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر)؛ ۳۸. مستدرک الفاظ معرب (بعد از تألیفات جوالیقی و ادی شیر پاریسی و سید محمد علی امام)؛ ۳۹. چهره مولوی در آینه مثنوی؛ ۴۰. تک بیت های مثنوی؛ ۴۱. اییات تفسیری مثنوی؛

۳۶. بهاء الدین خرمشاهی؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی؛ ذیل «کمالی» و نیز زندگینامه خودنوشت آیت الله کمالی دزفولی؛ ج ۲، ج ۲، تهران: دوستان و ناهید، ۱۳۸۱.

۳۷. همان.

۳۸. سهراب سپهری؛ هشت کتاب؛ به نقل از: محمد حقوقی، شعر زمان ما (سهراب سپهری)؛ تهران: نگاه، ص ۲۲۸.

۳۹. بهاء الدین خرمشاهی؛ در سایه سار وحی (نکو داشت قرآن پژوه پیشکشوت استاد سید علی کمالی دزفولی)، ش ۹، ص ۲۰۵.

۴۰. در سال ۱۳۷۶ به عنوان «خادم نمونه قرآن» توسط رئیس جمهور وقت مورد تجلیل قرار گرفت و در سال ۱۳۸۲ در سرای اهل قلم با سخنرانی استادان قرآن پژوه: بهاء الدین خرمشاهی، محمد علی مهدوی راد، سید محمد علی ایازی، مسعود انصاری و در سال ۱۳۸۳ در نمایشگاه بین المللی قرآن با سخنرانی قرآن پژوهان: دکتر محمد باقر حجتی، استاد مهدوی راد، استاد خرمشاهی، دکتر سمیعی، دکتر فارسجانی از مقام علمی-پژوهشی علامه تجلیل شد.

۴۱. سال کیسه.

پژوهش های قرآنی شد. وی از سال ۱۳۴۸ خورشیدی و پس از واقعه ای شیرین که در خودنوشت<sup>۳۶</sup> ایشان ثبت است، به ترغیب و تشویق مترجم چیره دست قرآن، آیت الله حاج شیخ محمد کاظم معزی «که گویی از جایی مأموریتی»<sup>۳۷</sup> داشت، با تمام قوا به ساحت مقدس قرآن باریافت و بدین ترتیب «عاشقانه ترین انحنای وجود خودش را برای آینه تفسیر کرد».<sup>۳۸</sup> استاد از آن پس، تمام زندگی اش را وقف خدمت به مصحف شریف قرآن نمود و در طول چند دهه سال، با بیان مقدمات و نگارش تفسیر آیات، به تألیف کتب، رسائل و مقالات وزین همت گماشت؛ البته افزون بر آثار قرآنی، پژوهش هایی چند از ایشان در دیگر زمینه ها شامل: علوم اسلامی، اخلاقی، ادبی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگ منطقه ای، بر جای مانده است که «باز متأثر از قرآن و آمیخته با مباحث قرآنی و آموخته از مباحث قرآن»<sup>۳۹</sup> است.

در سال های اخیر و به مناسبت هایی چند، از جمله در نمایشگاه بین المللی قرآن در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۳ و نیز در شانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب سال ۱۳۸۲، شخصیت جامع الاطراف، اما ناشناخته علامه فقیه مورد تجلیل قرار گرفت.<sup>۴۰</sup> سرانجام روح پرفتوح آیت کمال و فرزاندگی، علامه حاج سید علی کمالی دزفولی پس از - نزدیک به - یک قرن حیات طیبه، در سپیده دمان آخرین ساعات سی ام اسفندماه ۴۱ سال ۱۳۸۳ شمسی به ملکوت اعلی پیوست.

## ب) آثار مکتوب

مجموعه آثار منتشر شده و منخطوط علامه کمالی را می توان به قرار ذیل برشمرد:

**الف) علوم و معارف قرآن:** ۱. قانون تفسیر؛ ۲. تاریخ تفسیر؛ ۳. قرآن ثقل اکبر؛ ۴. شناخت قرآن؛ ۵. قرآن و مبارزات؛ ۶. قرآن و جامعه؛ ۷. قرآن و دستورات اجتماعی؛ ۸. قرآن و شعارها؛ ۹. قرآن و مقام زن؛ ۱۰. مقدمه تفسیر قرآن برای همه؛ ۱۱. قبسات القرآن؛ ۱۲. جاء الحق (دایرة المعارفی قرآنی در ردّ شبهات کتاب «بیست و سه سال» علی

۴۲. منتخب مثنوی؛ ۴۳. مجموعه مقالات و مقدمات؛  
۴۴. دفتر خاطرات و اشعار؛ ۴۵. چند دفتر در مواعظ؛  
۴۶. مصادر المطالب؛ ۴۷. فهرست تفصیلی وافی (تا جلد  
پانزدهم)؛ ۴۸. نامه‌هایی به فرزندانم؛ ۴۹. شرح فارسی بر  
کفایة الاصول (جلد ۵)؛ ۵۰. حافظ در آینه سخنش؛ ۵۱.  
تحقیق در ادعیه قرآن.  
گرچه کارنامه پربرگ و بار «پیر سپیدموی دیرینه روز» بالغ بر  
پنج‌جاه اثر علمی است، اما باید اذعان نمود که بی‌شک «او  
بزرگ‌تر از آثارش بود» و وجودش زیباتر از نمودش.

### ج) شیوه قرآن پژوهی

غالب تألیفات استاد کثیرالاثر، آیت‌الله کمالی، به مباحث  
قرآنی اختصاص یافته است؛ چنان که لفظ «قرآن» بر تارک بیشتر  
کتب ایشان می‌درخشد و به عنوان مضاف یا مضاف‌الیه بر نام  
آثارشان می‌نشیند. چنان‌که شمرده شد، مجموعه آثار  
قرآن پژوهی استاد در دو حوزه «علوم قرآن» و «معارف قرآن» بالغ  
بر نوزده اثر است که تعدادی، هنوز طبع به زیور آنها آراسته نشده  
است.

استاد در ساحت مقدس معارف قرآن و به ویژه در حوزه علوم  
القرآن، چهره مجتهدی مؤسس و قرآن پژوهی صاحب سبک را  
به نمایش می‌نهد. سیری کوتاه در آثار معارف قرآنی یا  
تک‌نگاره‌های تفسیری ایشان، همچون: قرآن و مبارزات، قرآن  
و جامعه، قرآن و دستورات اجتماعی، قرآن و شعارها، قرآن و  
مقام زن، همزیستی و معاشرت در اسلام، جاء الحق و  
پیشگفتارهای شیوای ایشان به ویژه در قانون تفسیر که سرشار از  
دغدغه‌های اصلاح‌گرایانه استاد است<sup>۴۲</sup> و نیز دقت در طرز  
بی‌افاده و نحوه بی‌پیرایه دخول، تدبر و استنتاج وی از آیات  
بینات، ما را به این باور نزدیک می‌کند که سعی استاد در تدوین  
«فلسفه‌ای عملی و اجتماعی»<sup>۴۳</sup> از قرآن، به همان سادگی و  
زلالی کلام‌الله مجید بوده است.

عرضه کاربردی معارف قرآنی، دغدغه همیشگی، و  
ساده‌نگاری - نه ساده‌انگاری - ویژگی جاری بیان و بنان استاد  
بود که همین نگرش جامع و نگاه عمیق پیر سرای قرآن پژوهی بر  
آیات بینات، او را به نگارش ساده و بی‌پیرایه، روان و البته  
خوشخوان علوم و معارف قرآنی رهنمون می‌کرد. نگاه دقیق  
علامه همواره معطوف به فهم و گیرایی مخاطب و در بند انجام  
بهتر رسالت خود بود؛ و چنین نگرش و بینشی در همه آثار ایشان  
هویدا و پیداست؛ آنچنان که سیر در این راه کم‌رهرو او را

فرسنگ‌ها از دیار تکلف و تصنعات معمول نویسندگان به دور  
داشت.

از بررسی مجموعه آثار استاد به ویژه قانون تفسیر به دست  
می‌آید: اعتقاد و اعتماد ایشان به مکتب اهل بیت (ع) که میراث  
حوزه نص‌گرای دزفول بود، دروازه ورود ایشان به ساحت  
مقدس قرآن گشت. اگرچه استاد دلبستگی و شیفتگی عجیبی به  
قرآن داشت، «منتها گرایش ایشان به اهل بیت بوده است و سعی  
کرده‌اند چاشنی‌هایی از اهل بیت (ع) را با نوشته‌های خود عجین  
کنند». ۴۴. علامه در بخش «مکتب نبوی و عترت» از کتاب تاریخ  
تفسیر، به تفصیل در این باره سخن رانده، تصریح می‌کند:  
«مکرراً و مؤکداً می‌گوییم: تا مفسر همه روایات مرویه از پیغمبر  
اکرم و ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) را استقصاء  
نکند، نمی‌تواند ادعا کند به تفسیر کامل قرآن دست یافته  
است». ۴۵.

استاد مکتب‌رهایی بخش عترت را فصل الخطاب معضلات  
و مشکلات فکری - فرهنگی جامعه اسلامی دانسته، می‌فرماید:  
«تاریخ تفسیر و معارف قرآنی نشان می‌دهد که حلال مشکلات  
علوم دین، مکتب غنی و مایه دار جعفری است که نقطه عطف  
سابقین و لاحقین از ائمه معصومین (صلوات الله علیهم  
اجمعین) است». ۴۶. با این همه، گستره و جغرافیای مطالعاتی و  
شهامت و آزادمنشی استاد در ارجاع به منابع پژوهشی دیگر فرق  
رسمی اسلامی، شایان تأمل و بررسی است.

۴۲. پیشگفتار قانون تفسیر، چنین آغاز می‌شود: «روزی که بشر از حکومت  
شمشیر ناامید شود، به حکومت کتاب پناه خواهد برد؛ هر چند هزاران  
سال دیگر با آن روز فاصله باشد». شاهد مدعای ما آن جاست که در  
ادامه همین پیشگفتار می‌نویسد: «مصلح ساختن کاخ انسانیت در  
دوران کتاب را باید از قرآن به دست آورد. بشریت، در قرآن  
ارزشمندترین شیوه اداره اجتماع را مشاهده کرده است، بهترین نقشه  
ایجاد یک تمدن جدید را که می‌تواند همه ملت‌ها و جوامع را از سنگینی  
بار گمراهی‌ها، بیدادگری‌ها و بدبختی‌ها رها کرده، به زندگانی سرشار  
از نور علم و معرفت و صلح و صفا رهنمون شود».

۴۳. محی‌الدین بهرام محمدیان؛ «ویژگی‌ها و شاخص‌های آثار علمی استاد  
کمالی دزفولی»، در گفتگو با گلستان قرآن، ش ۲۰۳، ص ۲۶.

۴۴. سیدمحمدباقر حجتی؛ «نکوداشت قرآن پژوه پیشکسوت استاد کمالی  
دزفولی»، در سایه سار وحی، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشست ۹، ص ۱۴.

۴۵. سیدعلی کمالی دزفولی؛ تاریخ تفسیر؛ تهران: کتابخانه صدر،  
۱۳۵۷، ص ۱۹.

۴۶. سیدعلی کمالی دزفولی؛ شناخت قرآن؛ تهران: چ ۳، اسوه، ۱۳۷۸،  
ص ۲۲۵.